

پیاده سازی یک الگوی مالیاتی مناسب از منظر قوانین مالیاتی اسلام

مصطفی شمس الدینی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۱/۰۱

جواد شهرکی**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۰۳/۳۱

چکیده

اهمیت مبحث مالیات‌ها و درآمدهای مالیاتی در اقتصاد ایران بر هیچ کس پوشیده نیست. وجود نظریات متفاوت اقتصادی در این زمینه و معلوم نبودن نرخ مالیاتی مناسب، توجه ویژه‌ای را برای انتخاب یک الگوی مالیاتی مناسب می‌طلبد. اعتقاد مسلمانان به کامل بودن دین اسلام و دستورات این آیین الهی و هم چنین وجود مباحث اقتصادی در صدر اسلام، اهمیت خاصی را به قوانین اقتصادی اسلام داده است.

این مقاله سعی دارد تا با استفاده از این قوانین روند پیاده‌سازی یک الگوی مالیاتی مناسب را طرح‌ریزی کند. در همین راستا از احکام خمس و زکات که در حال حاضر از شمول جامع‌تری برخوردار هستند، استفاده شده است. قوانین اقتصادی استخراجی از خمس و زکات و مقایسه آن با سیستم‌های مالیاتی موجود، سیستم مالیات بر ارزش افزوده را به عنوان مناسب‌ترین سیستم مالیاتی حال حاضر، معرفی کرده است. نرخ‌های مالیاتی نیز از نسبت‌های تعلق خمس و زکات و موارد وجوب آن‌ها استخراج شده است. نتایج نشان می‌دهد که اجرای یک سیستم مالیاتی در ایران تنها با همکاری خود مردم و تعاون اجتماعی امکان پذیر است؛ از این جهت توجه به بعد اعتقادی این مسأله و تمرکز بر روی رهنمودهای الهی می‌تواند روند پیاده‌سازی یک الگوی مالیاتی مناسب را تسهیل کند.

واژگان کلیدی

مالیات‌ها، قوانین اقتصادی اسلام، خمس و زکات، مالیات بر ارزش افزوده، نرخ مالیاتی

* دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان

mostafa.shamsoddini@gmail.com

javad_shahraki@yahoo.com

** استادیار و مدیر گروه دانشکده اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

رهنمودهای الهی و قوانین اسلامی لزوم توجه به این قوانین را در تمام عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه امروز نمایان می‌سازد. وابستگی بیش از حد اقتصاد ایران به دولت و وابستگی دولت به درآمدهای نفتی، اهمیت ویژه‌ای را به مسأله مخارج و درآمدهای دولت داده است.

اقتصاد در جوامع غربی و کشورهای توسعه یافته وابسته به بخش خصوصی و درآمدهای دولت وابسته به مالیات‌های پرداختی توسط شهروندان آن کشورهاست (Leonid, 2001, pp.1-3). در صدر اسلام بقاء و استمرار حکومت اسلامی نیز وابسته به درآمدهایی بوده است که با نرخی معین از درآمدها و اموال اضافی مردم کسب می‌شده است. امروزه قوانین کسب این درآمدها را با نام قوانین مالیاتی اسلام می‌شناسند. این قوانین، مالیات‌ها در اسلام را به دو دسته مالیات‌های ثابت (خمس، زکات، خراج، جزیه) و مالیات‌های متغییر (مالیات‌های حکومتی) تقسیم می‌کند (امینی، ۱۳۸۴، صص ۲۰-۱۴).

با توجه به تغییرات روز افزون و چشم‌گیر در جوامع امروزی، توجه به قوانین اسلامی و همگام کردن این قوانین با روابط حاکم بر این جوامع، از جایگاه خاصی برخوردار است. در همین راستا این مقاله سعی بر این دارد تا با استفاده از قوانین اقتصادی اسلام، راه‌کاری را برای کاهش وابستگی دولت به درآمدهای نفتی و جایگزین کردن آن با درآمدهای مالیاتی ارائه دهد. بنابراین سعی شده است این روند در سه فصل سیستم مالیاتی مناسب، نرخ مالیاتی مناسب و نحوه مناسب اجرای مالیات‌ها، با توجه به قوانین مالیاتی اسلام بررسی شده و برای هر مورد راه‌کاری مناسب ارائه شود.

۱. سیستم مالیاتی مناسب

مالیات‌ها در اسلام به دو دسته عمده تقسیم می‌گردند (امینی، ۱۳۸۴، صص ۲۰-۱۴): یکی مالیات‌های ثابت که میزان و موارد شمول آن در قوانین اسلامی ذکر شده است؛ مانند خمس، زکات، خراج، جزیه و انفال و دیگر مالیات‌های متغییر که توسط حاکم جامعه اسلامی در شرایط خاصی وضع می‌شوند.

بر اساس تقسیم‌بندی کتب فقهی، مالیات‌های اصلی به طور کلی دو نوع می‌باشند: خمس و زکات (نظری، ۱۳۸۲، ص ۴۷)؛ همچنین با توجه به اینکه در مورد مالیات‌های متغیر قواعد خاصی در دست نیست و وابسته به وضعیت حکومت اسلامی و تصمیم شارع مقدس است، خراج و جزیه در جامعه کنونی موضوعیت عینی ندارد، و انفال نیز در مورد پیاده‌سازی الگوی مالیاتی مناسب بکار نمی‌رود، این مقاله تمرکز خود را روی دو مورد اساسی خمس و زکات قرار داده است.

توجه به این نکته ضروری است که به هیچ عنوان این پژوهش سعی ندارد تا مالیات‌ها را جایگزین خمس و زکات کند، بلکه سعی بر این است که از خمس و زکات، قواعدی استخراج شود تا بتوان روند پیاده‌سازی الگوی مالیاتی مناسب را انتخاب کرد.

۱-۱. خمس

قرآن کریم می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَالَّذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ»؛ بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای ذی القربى و یتیمان و مسکینان و درماندگان در راه است، اگر به خدا ایمان آورده‌اید (انفال: ۴۱).

خمس همان حقی است که خدای تعالی آنرا برای پیامبر گرامی‌اش و ذریه آن حضرت قرار داده و آن‌ها را گرامی داشته است به این که محتاج زکات نشوند و کسی که یک درهم از آنرا نپردازد به آن‌ها ظلم کرده و حقشان را غصب نموده است (بیات، ۱۳۶۵، ص ۸۴).

موارد خمس عبارتند از: ۱- غنائم جنگی؛ ۲- معدن؛ ۳- گنج؛ ۴- غواصی در دریا؛ ۵- مالی که از مخارج سالانه بیشتر باشد؛ ۶- زمینی که کافر از مسلمان بخرد؛ ۷- مال حلال مخلوط به حرام (امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۴). در سه مورد غنائم، گنج و غواصی در دریا می‌توان گفت که این موارد در جامعه امروزی، شمول زیادی ندارند و در این مقاله توجه‌ای به آن‌ها نشده است. در دو مورد آخر باید ذکر کرد، این موارد بیشتر رفتارهای فردی افراد را در جامعه بیان می‌دارد و شمول حکومتی در آن‌ها مد نظر

نیست. مورد معدن نیز به تفصیل در قسمت محاسبه نرخ مالیاتی مناسب مورد بررسی قرار گرفته است. در این قسمت توجهی به احکام کامل خمس نیست فقط به بیان قواعد اقتصادی آن اکتفا شده است. بیان این مطلب لازم است که خمس در دو مورد اصلی مصرف می‌شود، یکی سهم سادات فقیر، یتیم و در راه مانده است و دیگری سهم امام که هر دو باید به مرجع تقلید یا نماینده وی داده شود مگر آن که از ایشان اجازه گرفته و در راهی مصرف شود که آن‌ها اجازه می‌دهند (اراکی، ۱۳۷۲، ص ۲۷۳).

با توجه به اینکه نیمی از درآمد خمس متعلق به قشر خاصی از جامعه است و نیم دیگر آن متعلق به حاکم جامعه اسلامی می‌شود، نمی‌توان از خمس به عنوان درآمدی که دولت بتواند به آن متکی شود یاد کرد. اگر چه با اجرای درست قوانین خمس و تعلق نیمه اول این درآمدها به قشر خاص ذکر شده می‌توان، مخارج دولت را در حد چشم‌گیری کاهش داده و همچنین جامعه را در جهت یک دستی اجتماعی - اقتصادی بیشتر هدایت کرد، و نیز جامعه را در جهت بهبود شاخص توسعه انسانی، هدایت نمود؛ اما این هدف مد نظر نیست بلکه سعی بر آن است تا الگوی مالیاتی مناسب استخراج و پیشنهاد گردد.

با علم به اینکه خمس به درآمدها و اموال اضافی مردم تعلق می‌گیرد، شاید بتوان از سیستم مالیات بر درآمد برای اخذ مالیات‌ها در جامعه استفاده کرد؛ ولی توجه به چند نکته ضروری است. تعلق خمس به درآمدها و اموال اضافی مردم است نه کل درآمدهای آن‌ها (نوری کرمانی، ۱۳۸۲، صص ۵۹۶-۵۹۳)؛ در حالی که سیستم مالیات بر درآمد، درصد خاصی از کل درآمدهای به دست آمده از افراد را در زمان خاصی اخذ می‌کند. البته شاید بتوان گفت نرخ خمس ۲۰ درصد است که می‌توان با کاهش این نرخ، آنرا به کل درآمدها اختصاص داد؛ که این مورد در قسمت بعد بحث خواهد شد. نکته دیگر آن است که تمام فعالیت‌های اقتصادی در یک جامعه به درآمدهای افراد و اموال منقول آن‌ها خلاصه نمی‌شود. با پیشرفت جوامع بشری و پیچیده‌تر شدن روابط حاکم بر تجارت نمی‌توان توجه یک طرفه‌ای فقط به درآمد اشخاص داشت. تمام سعی علم اقتصاد و یک اقتصاددان بر روی بهبود وضعیت جامعه است، اقتصاد علم تخصیص منابع محدود به خواسته‌های نامحدود بشری است (سالواتوره، ۱۳۸۹، صص ۳-۲)؛

بنابراین تمرکز تنها بر روی درآمدها، نوعی محدودیت را در اقتصاد بیان می‌دارد که مطمئناً نمی‌تواند حداکثر کارایی اقتصادی را داشته باشد.

شاید برخی بیان دارند که بر اساس چرخه‌های ابتدایی اقتصاد کلان، تمام درآمدها به افراد به عنوان حاکمان اصلی جامعه باز می‌گردد، و درآمدها می‌توانند نمایانگر برآیندهای اقتصادی باشند (شاکری، ۱۳۸۹، صص ۷۱۹-۷۱۲). توجه به دو نکته بیان می‌دارد این فرض چندان هم درست نیست. اول اینکه روابط حاکم بر جوامع بسیار پیچیده‌تر از تئوری‌های ساده‌سازی شده اقتصادی هستند؛ و دیگر اینکه با توجه به همان تئوری‌های اقتصادی هر روزه در سطح اقتصادهای مطرح دنیا، شاهد بیان تئوری‌ها و نظریه‌های جدید و کاربردی‌تر هستیم و اگر می‌شد درآمدها را شاخص مناسبی از برآیندهای اقتصادی دانست، این پیشرفت و دگرگونی معنایی پیدا نمی‌کرد. بیان الگوی مالیاتی بر اساس ارزش افزوده به جای مالیات بر درآمدها مؤید این نکته است.

۲-۱. زکات

قوانینی برای تعدیل اقتصادی و معیشتی در جامعه و بر طرف کردن احتیاجات لازم وضع شده است، چون خمس، زکات و ... در اجتماعی که تعادل داشته و از نظام اقتصادی عادلانه و سالمی برخوردار باشد، اکثریت قاطع مردم درآمدی کافی و بسنده خواهند داشت و نیازهای خود را تأمین خواهند کرد. در چنین اجتماعی، درصد اندکی از مردم محروم می‌مانند که محرومیت آنان به جبرهای طبیعی، ناتوانی‌های جسمی و گه‌گاه ظلم‌ها و حق‌کشی‌های فردی و جزئی مربوط می‌شود (حکیمی، ۱۳۷۰، صص ۱۶۵-۱۶۴).

امام رضا(ع) می‌فرماید: «إِنَّ عَلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوَّةِ الْفُقَرَاءِ... كَمَا قَالَ عَزَّوَجَلَّ: «لَتَبْلُوَنَّكُمْ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ»، فِي أَمْوَالِكُمْ إِخْرَاجُ الزَّكَاةِ... مَعَ مَا فِي ذَالِكِ مِنْ آدَاءِ شُكْرِ نِعْمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ... مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الزِّيَادَةِ وَ الرَّأْفَةِ وَ الرَّحْمَةِ لِأَهْلِ الضَّعْفِ وَ الْعَطْفِ عَلَى أَهْلِ الْمَسْكَنَةِ، وَ الْحَثُّ لَهُمْ عَلَى الْمُسَاوَاةِ، وَ تَقْوِيَةُ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَعُونَةُ لَهُمْ عَلَى أَمْرِ الدِّينِ...»؛ قانون زکات، برای تأمین (زندگی) بینوایان وضع شد، چنانکه خدای بزرگ فرموده است: «شما را در اموال و جان‌هاتان امتحان می‌کنیم» (امتحان) در اموال پرداخت

زکات است... با دیگر فوایدی که در این قانون نهفته است چون افزایش (مال) و احساس مندی و مهربانی نسبت به ناتوانان، و توجه به حال بینوایان، و سوق دادن جامعه به مساوات و برابری، و توان بخشی به فقیران، و یاری رساندن به آنان در انجام تکالیف دینی... (حکیمی، ۱۳۷۹، ص ۲۳۳).

بر اساس قوانین اسلامی زکات بر ده چیز تعلق می گیرد. در این جا هدف بیان قواعد زکات نیست بلکه سعی بر این است تا با توجه به روش تعلق و اخذ زکات، با سیستم های مالیاتی امروزی مقایسه ای انجام گردد. موارد تعلق زکات به ترتیب: گندم، جو، کشمش، خرما، طلا، نقره، شتر، گاو، گوسفند، و بنابر احتیاط مال التجاره است (برخی از مراجع مانند آیت اله سیستانی این مورد را واجب دانسته و برخی دیگر مستحب دانسته اند) (گلپایگانی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۴). با نگاهی به موارد بالا در می یابیم مواردی که ذکر شده تقریباً تمام محصولات که در زمان صدر اسلام وجود داشته و مورد مبادله قرار می گرفته، مشمول دادن زکات شده است.

زکات در دو دوره معنا پیدا می کند یکی در مکه، زمانی که پیامبر (ص) موارد اخذ شده را در جهت پیشرفت دین خدا و ارائه تعالیم آن مصرف می کردند و جویی برای اخذ کردن آن وجود نداشت. دوره دوم زمانی است که ایشان در مدینه حکومت اسلامی تشکیل دادند و برای مخارج این حکومت بیت المال را تأسیس نمودند. در آن زمان منبع اصلی بیت المال زکات بوده است (لشگری، ۱۳۸۰، صص ۶۳-۶۰) و همچنین برای جمع آوری آن مأمورانی وجود داشته اند؛ بنابراین می توان پنداشت که زکات در صدر اسلام می تواند شبیه مالیات در دوره حاضر در نظر گرفته شود (نظری، ۱۳۸۲، ص ۶۹).

پدیده شوم فقر، از ناهنجارترین دردها در زندگی انسان است و در ابعاد مادی و معنوی زندگی فردی و جامعه آثار و عوارض زیانبار و ویرانگر دارد (حکیمی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۲). در قرآن کریم، جهاد و قتال در راه مبارزه با فقر و استضعاف اقتصادی و فرهنگی به صراحت مطرح شده است: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اهْلُهَا...»؛

چرا در راه خدا و مردان و زنان و کودکان مستضعف که گویند پروردگارا ما را از این شهر ستم‌گران بیرون بر، کارزار نمی‌کنید ... (نساء: ۷۵).

اخذ زکات از کسانی که وضعیت اقتصادی بهتری دارند و دادن آن به افراد مستضعف می‌تواند در جهت بهبود شرایط اقتصادی و رفاهی جامعه مؤثر باشد. می‌توان موارد تعلق زکات را در چهار دسته تقسیم کرد: دسته اول شامل گندم، جو، کشمش و خرما، دسته دوم شامل طلا و نقره، دسته سوم شامل گاو، گوسفند و شتر و دسته چهارم مال التجاره است. حال در این جا سعی شده، برخی از این قواعد اقتصادی که در تعلق زکات ذکر شده است بیان شود.

یکی از قواعدی که در وجوب زکات وجود دارد رسیدن به حد نصابی است که در کتب اسلامی مرتبط، برای هر مورد ذکر شده است (نظری، ۱۳۸۲، صص ۶۷-۴۸). این مطلب بیان می‌دارد برای اخذ این نوع مالیات اسلامی حداقلی در نظر گرفته شده است. این مورد می‌تواند در توزیع عادلانه درآمد و همگون شدن اقتصادی جامعه مفید باشد.

غیر از دسته دوم که مربوط به پول می‌شود در مابقی موارد شرط عاقل و بالغ بودن برای فرد صدق نمی‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۴، صص ۹۰-۷۶). در نتیجه مالیات برای کل افراد جامعه صرف نظر از سن و شرایط جسمی و روانی است، زیرا افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند و به اندازه کافی درآمد دارند برای جامعه هزینه‌هایی را در بر دارند که می‌توان از خود آن‌ها اخذ کرد.

زکات نه تنها موجب پاکی و وارستگی فرد، بلکه مایه پاک سازی جامعه از فقر و بی‌کاری می‌شود؛ و در برابر بیشتر کمبودها و مفاسد، افراد اجتماع را بیمه می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۴، ص ۷۷). یکی از مسائلی که فقر را پدیده‌ای ضد اسلامی معرفی می‌کند، و ضرورت مبارزه با آن را از نظر اسلام روشن می‌سازد، تبیین کمیت و کیفیت سطح زندگی و لزوم تأمین مواد و مایحتاج زندگی همه مردم است (حکیمی، ۱۳۷۰، ص ۱۷۵). این موضوع مهم در حدیثی از امام رضا(ع) مطرح شده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، لَمْ يُبِحْ أَكْلًا وَلَا شُرْبًا إِلَّا مَا فِيهِ الْمَنْفَعَةُ وَالصَّلَاحُ، وَ لَمْ يُحَرِّمْ إِلَّا مَا فِيهِ الضَّرَرُ وَالتَّلَفُ وَالفَسَادُ. فَكُلُّ نَافِعٍ مُقْوٍ لِلْجِسْمِ فِيهِ قُوَّةٌ لِلْبَدَنِ فَهُوَ حَلَالٌ...»؛ خدای متعال هیچ

خوردن و نوشیدنی را جایز نکرده مگر آنچه در آن سودی و صلاحی است؛ و (هیچ چیز را) ممنوع نکرده مگر آنچه در آن زیان و نابودی و تباهی بوده است. پس هر چند سودمند و توان بخش جسم باشد و به بدن آدمی نیرو بدهد، حلال است ... (محدث نوری، ۱۳۸۳ق.، ص ۱۰۳). هر گاه مایحتاج زندگی انسان‌ها در اختیار یک شخص باشد و به صورت راکد نگهداری شود منجر به معضل و سختی در زندگی مسلمانان خواهد شد، اخذ زکات در این زمینه می‌تواند راهگشا باشد.

نکته دیگر آن که اگر چیزی که زکات بر آن تعلق می‌گیرد به مدت یک سال قرض گرفته شود شخصی که قرض داده زکات بر او واجب نیست و بر کسی است که مال را قرض گرفته است (اراکي، ۱۳۷۲، ص ۲۷۸). بر این اساس می‌توان از اشخاصی که قرض یا وام دریافت می‌کنند مالیاتی را دریافت کرد. اگر مالی خرید و فروش شود و فروشنده زکات آنرا نداده باشد زکات بر عهده خریدار خواهد بود؛ البته در صورت دانایی از ندادن زکات توسط فروشنده (اراکي، ۱۳۷۲، ص ۲۷۹). بر همین اساس می‌توان سندی را تنظیم کرد تا به هنگام دست به دست شدن کالا تا زمان مصرف آن، مشخص شود که مالیات آن کالا به چه میزان داده شده است. این مطلب می‌تواند در روشن سازی مالیات‌ها و جلوگیری از فرار مالیاتی مؤثر باشد.

«گندم، جو، کشمش و خرمایی که زکات آنرا داده، اگر چند سال هم نزد او بماند زکات ندارد» (اراکي، ۱۳۷۲، ص ۲۷۹). در این مورد توجه به این نکته ضروری است که دسته اولی که ذکر شد، جزء قوت اصلی مردم محسوب می‌شده است و با توجه به مسأله عدم احتکار این موارد، برای جلوگیری از افزایش قیمت بی‌رویه این دسته از کالاهای اساسی، زکات فقط یک بار بر آنها واجب می‌شود و گرفتن دوباره آن جایز نیست. این می‌تواند نکته خوبی برای جلوگیری از ایجاد تورم ناشی از اخذ مالیات در جامعه باشد.

قوانین زکات برای دسته دوم مقداری متفاوت از دسته اول است. زیرا دسته دوم که طلا و نقره می‌باشند از جمله وسایل داد و ستد و مبادله در جامعه محسوب می‌شده و حساسیت نسبت به آنها بیشتر است، که دارای حد نصاب‌ها و نرخ زکات خاص خود است. برای مثال بر خلاف دسته اول که وقتی یک بار زکات آن پرداخت شد برای

سال‌های بعد زکات ندارد، در مورد طلا و نقره این طور نیست و باید هر سال تا زمانی که حد نصاب برای آن‌ها وجود دارد زکات آنرا پرداخت (نظری، ۱۳۸۲، ص ۵۷).

البته باید در نظر داشت که طلا و نقره امروزه مانند قسمتی از پول رایج مملکت در نظر گرفته می‌شود (توسلی، ۱۳۸۲، ص ۵۶۳). درآمد از کار و تلاش به دست می‌آید و نمی‌توان آنرا مانند پول‌های راکد در نظر گرفت، ولی پول‌های راکدی که غیر از درآمد ثابت اشخاص، وجود دارند را می‌توان شامل قانونی کرد تا جلوی راکد شدن آن‌ها و ایجاد رکود در اقتصاد را بگیریم که می‌توان بر این پول‌ها مالیات وضع کرد، البته بر طبق قوانین زکات در مورد دسته دوم باید نرخ مالیاتی کمتر باشد.

همچنین توجه به این حکم مهم است که «زکات طلا و نقره در صورتی واجب می‌شود که آنرا سکه زده باشند و معامله به آن رواج داشته باشد و اگر سکه آن از بین رفته باشد باید زکات آنرا بدهند». این حکم تأییدی بر نتیجه‌گیری فوق و مشابهت آن با پول رایج است. در این دسته نیز حکم بر این است که یازده ماه از سال مالک آن‌ها باشد (اراکی، ۱۳۷۲، ص ۲۸۳) که می‌توان گفت پول‌هایی که افراد به قصدهای معاملاتی یا احتیاطی نگهداری می‌کنند شامل مالیات نمی‌شود.

«مالی که انسان به عقد معاوضه مالک آن می‌شود و برای تجارت و منفعت بردن نگاه می‌دارد، می‌بایست بنابر احتیاط با چند شرط زکات آنرا بدهد و آن یک چهلیم است: ۱- مالک بالغ و عاقل باشد؛ ۲- مال به مقدار نصاب رسیده باشد و آن مقدار نصاب طلا یا نقره است؛ ۳- یک سال از وقتی که قصد منفعت بردن کرده است بر آن مال گذشته باشد؛ ۴- قصد منفعت بردن در تمام سال باقی باشد، پس اگر در میان سال از آن قصد منصرف شود، نباید زکات آنرا بدهد؛ ۵- مالک بتواند در تمام سال در آن تصرف کند؛ ۶- در تمام سال به مقدار سرمایه یا بیشتر از آن خریدار داشته باشد، پس اگر در قسمتی از سال به کمتر از سرمایه خریدار داشته باشد واجب نیست زکات آنرا بدهد».

حکم بالا در رابطه با زکات مال التجاره آمده است. درست است که وجوب زکات در این مورد بسته به شرایطی خاص است، لیکن با نگاهی به این شرایط در می‌یابیم که

این شرایط بیانگر این است که فرد باید تاجر محسوب شده و قصد تجارت داشته باشد، بنابراین می‌توان در دنیای امروز و در شرایط پیچیده تجارت، از قوانین و قواعد زکات استفاده نمود.

آیات خاصی در قرآن وجود دارد که از حق معلوم در مال سخن گفته است؛ این آیات را نمی‌توان بر خمس و زکات و دیگر صدقات واجب حمل کرد، زیرا تعبیرها و واژه‌ها و سبک گفتار با این توجیه و تطبیق سخت ناسازگار است، بلکه در این آیات تکلیف و قانونی دیگر جز آنچه در زکات و خمس بوده مطرح گردیده است (حکیمی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۹). «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ»؛ کسانی که سائل و محروم در اموال آنان حقی معلوم دارند (معارج: ۲۴ و ۲۵). این آیه در احادیث به روشنی تفسیر شده و حدود تکلیفی آن مشخص گردیده است؛ برای نمونه حدیثی از امام (ع) وارد شده است که می‌فرمایند: «وَإِنَّ عَلَيْكُمْ فِي أَمْوَالِكُمْ غَيْرَ الزَّكَاةِ. فَقُلْتُ: وَمَا عَلَيْنَا فِي أَمْوَالِنَا غَيْرَ الزَّكَاةِ؟ فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ! أَمَا تَسْمَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ...»؟ قَالَ: قُلْتُ: فَمَاذَا الْحَقُّ الْمَعْلُومُ الَّذِي عَلَيْنَا؟ قَالَ: هُوَ الشَّيْءُ يَعْمَلُهُ الرَّجُلُ فِي مَالِهِ، يُعْطِيهِ فِي الْيَوْمِ، أَوْ فِي الْجُمُعَةِ، أَوْ فِي الشَّهْرِ قَلَّ أَوْ كَثُرَ غَيْرَ أَنَّهُ يَدُومُ عَلَيْهِ...»؛ در اموالتان تکلیف‌هایی بیش از زکات دارید. گفتم: جز زکات چه تکلیفی بر عهده ماست؟ امام گفت: سبحان الله! آیا نشنیدی که خداوند بزرگ در کتابش گفته است: «کسانی که در اموالشان حقی معلوم است...» گفتم: این حق معلوم که باید پرداخت چیست؟ گفت آن مقداری است که انسان در مال خود در نظر می‌گیرد و در هر روز یا هر جمعه یا هر ماه آنرا می‌پردازد، کم باشد یا زیاد؛ لیکن به این ادامه می‌دهد (حکیمی، ۱۳۷۹: ۲۶۰).

برخی از افراد بیان می‌دارند که پرداخت خمس و زکات اختیاری است و گرفتن چیزی با عنوان مالیات سندیت رسمی در کتب فقهی ندارد، ولیکن بایستی ذکر کرد آیات و روایاتی مانند فوق وجود دارند که علاوه بر خمس و زکات، حق دیگری را نیز بیان می‌کنند که در اموال مردم قرار دارد، که این می‌تواند همان مالیات‌ها باشد، در مورد اختیاری بودن نیز همانطور که قبلاً نیز ذکر شد این امور حقی هستند که برگردن انسان‌ها است و وقتی از حق حرفی به میان می‌آید مبحث اختیاری بودن دیگر معنایی

ندارد؛ همچنین قوانین اقتصادی و مالی زیادی در احادیث و روایات بیان شده است، اما تمرکز ما بر روی قوانین مالیاتی ناشی از خمس و زکات است.

۲. الگوی مالیاتی

به صورت کلی یک سیستم مالیاتی باید مشخصات و خصوصیات زیر را دارا باشد (جعفری صمیمی، ۱۳۸۹، صص ۲۳۰-۲۲۱)؛ همچنین در هر مورد مقایسه‌ای با قواعد اسلامی ذکر شده انجام گرفته است:

۱-۲. عدالت و برابری

نظام اقتصادی اسلام نه تنها تضمین کننده عدالت اقتصادی و تأمین کننده رفاه عمومی است، بلکه در پی هدف والاتری نیز می‌باشد و آن رسیدن به جامعه‌ای است که مردم در اموال با یکدیگر به مساوات رفتار می‌کنند و همدیگر را در روزی و معیشت خود سهیم می‌گردانند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، ص ۳۲۸).

۲-۲. معین بودن

مالیات وضع شده بر اشخاص و غیره باید دقیقاً از نظر زمان و نحوه پرداخت و میزان مالیات، معین و مشخص باشد. با نگاهی به قوانین خمس و زکات و قواعد کامل و خوب آنها، این موضوع در مباحث اسلامی مشخص شده است.

۳-۲. سهولت

یکی از اصول مهم اجرای نظام مالیاتی، کسب رضایت نسبی افراد و تسهیلات مختلف برای پرداخت آن است. عدم تسهیلات پرداختی موجب فرار مالیاتی می‌شود (سیلوانی، ۱۳۸۱، ص ۱۸). در قوانین اسلامی توجه ویژه‌ای به توانایی پرداخت مالیات شده است و اصولاً مالیات زمانی وضع می‌شود که شخص توانایی پرداخت آنرا داشته باشد و از گرفتن مالیات زودتر از موعد جلوگیری به عمل آمده است.

۲-۴. صرفه جویی

منظور از صرفه جویی در اصول مالیاتی این است که در جمع آوری مالیات باید حداکثر صرفه جویی به عمل آید و هزینه جمع آوری آن به حداقل ممکن تقلیل یابد. اهمیت صرفه جویی از نظر اسلام نیز مشخص است و مطالبی که در مورد آن ذکر شده بسیار است.

۲-۵. بازدهی مالیاتی

نظام مالیاتی باید بتواند مولد درآمد کافی برای دولت باشد. استقرار و بقای حکومت اسلامی به درآمدهای حاصل از بیت المال است، که مالیات‌ها یکی از ارکان اصلی تشکیل دهنده آن هستند (صدر، ۱۳۷۵، ص ۱۳۰).

۲-۶. انعطاف پذیری

سیستم مالیاتی باید در شرایط رونق درآمد بیشتری کسب کند و در شرایط رکود فشار کمتری بر افراد تحمیل کند (شالیزی، ۱۳۷۲، ص ۹۵). نحوه تخصیص مالیات‌های اسلامی به مقدار تولید، این مسأله را به خوبی نشان می‌دهد.

۲-۷. تنوع منبع مالیاتی

برای جلوگیری از کاهش قدرت و استحکام دولت در شرایط رکود وجود منابع مالیاتی متنوع الزامی است. در مبحث مالیات‌های اسلامی این تنوع به وضوح مشاهده می‌شود؛ برای مثال تعلق زکات به اکثر فعالیت‌های تولیدی اساسی در زمان صدر اسلام و یا وجود خمس، خراج، جزیه، انفال و ... در مبحث مالیات‌های اسلامی.

۲-۸. اصل ساده و قابل فهم بودن مالیات‌ها

کلیه قوانین و مقررات مربوط به مالیات‌های مختلف و دلایل پرداخت آن باید به زبان ساده بیان شود، که این موضوع در احکام مالیاتی اسلام به روشنی وجود دارد.

۲-۹. حداقل بار اضافی

یک نظام مالیاتی باید از تبعیضات مختلف جلوگیری کند و باعث کاهش رفاه اقتصادی و آثار نامساعد بر انگیزه کار، پس انداز، سرمایه‌گذاری و غیره نشود.

۳. روش‌های کسب مالیات

در اینجا برخی از انواع روش‌های کسب مالیات که در تئوری‌های اقتصادی بیان شده است، به طور اجمالی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱. مالیات بر محصول خام

این نوع مالیات را می‌توان در محصولات کشاورزی به کار گرفت، اجرای این مالیات باعث خواهد شد که قیمت محصول افزایش یابد و با وقفه‌ای مزد کارگران نیز افزایش خواهد یافت، در مجموع این مالیات باعث کاهش سود خواهد شد.

به دلیل افزایش دادن مردها و کاهش سودها، این مالیات، مالیات تبعیض گرانه‌ای است، بدین معنا که بر درآمد کشاورز و بازرگان و صاحب صنعت تأثیر می‌گذارد، اما درآمد مالک زمین و دارنده اوراق وام و سایر دریافت‌کنندگان درآمد ثابت، از مالیات مصون می‌ماند. افزایش قیمت محصول خام، سبب افزایش قیمت تمام کالاهایی خواهد شد، که این محصول خام در ترکیب‌شان به کار رفته است (ریکاردو، ۱۳۷۴، ص ۱۷۲).

۳-۲. مالیات به نسبت معینی از محصول

این شیوه مالیات‌ستانی، به ظاهر با مساوات‌ترین مالیات‌هاست؛ اما هیچ مالیاتی نیست که نابرابرتر از این باشد؛ در این شیوه مالیات‌ستانی، سرمایه‌گذاری‌های قبلی تولیدکننده نادیده گرفته می‌شود، و مقدار آن به نسبت درآمد ناخالص است، نه درآمد خالص (ریکاردو، ۱۳۷۴، ص ۱۹۱).

۳-۳. مالیات سرانه

مالیاتی است که به مقدار یکسان از تمامی افراد (درون یک صنعت یا جامعه) اخذ می‌شود، این نوع مالیات فقط دارای اثر درآمدی است و هیچ‌گونه تغییری در رفتار

واحدهای اقتصادی به وجود نمی‌آورد، بنابراین مالیات سرانه، مالیاتی است که در تمامی حالات، کارایی اقتصادی را حفظ می‌کند. ولی این مالیات دارای جامعیت نیست و بر اساس فعالیت‌های اقتصادی اخذ نمی‌شود (جعفری صمیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰).

۳-۴. مالیات بر درآمد

مالیات بر درآمد مالیاتی است که بر مبنای درآمد استوار است و به صورت درصدی از درآمد اشخاص اخذ می‌شود. این نوع مالیات مبنای مالیاتی وسیعی را در بر خواهد گرفت، ولی شناسایی تمامی درآمدهای موجود در جامعه و همچنین وجود انگیزه برای پنهان کردن مقدار واقعی درآمدها برای فرار از پرداخت مالیات، اجرای این سیستم مالیاتی را به صورت کارا مشکل و پر هزینه کرده است (پژویان، ۱۳۸۸، صص ۲۴۴-۲۳۵). همچنین در ایران درآمد ملی نیز از روش درآمدی محاسبه نمی‌شود، زیرا تمامی درآمدها قابل شناسایی نیست و از روش مخارج برای محاسبه آن استفاده می‌شود (رحمانی، ۱۳۸۸، ص ۳۸).

۳-۵. مالیات بر سود

در این روش، مالیات بر سود فعالیت‌های اقتصادی وضع می‌شود. می‌توان این نوع مالیات را به دو دسته تقسیم کرد: مالیات بر سود سهام، که همانند مالیات بر درآمد است، زیرا سود سهام به صورت دوره‌ای و در طول عمر دارایی‌ها هر سال یا هر ماه پرداخت می‌شود. دیگر، مالیات بر سود سرمایه، این نوع مالیات تنها زمانی قابل اخذ است که محصول یا دارایی به فروش برسد. این واقعیت که مالیات بر سود سرمایه تا زمان فروش به تعویق می‌افتد نرخ مالیات مؤثر را کمتر از نرخ مالیات بر درآمد معرفی می‌سازد (جعفری صمیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۱).

۳-۵. مالیات بر ارزش افزوده

مالیاتی است که بر ارزش افزوده یک محصول در هر مرحله‌ای از تولید و توزیع وضع می‌شود (پژویان، ۱۳۸۸، ص ۳۲۴). با توجه به مطالب ذکر شده در مورد خمس و زکات و مکانیزم تعلق آن‌ها، همچنین با توجه به خصوصیات یک سیستم مالیاتی مناسب از

نظر مباحث اسلامی سعی بر این است تا سیستم مالیات بر ارزش افزوده را با ملاک‌های ذکر شده مطابقت داده و میزان تأیید این سیستم از لحاظ قواعد اسلامی تحلیل گردد. خصوصیات سیستم مالیات بر ارزش افزوده به قرار زیر است:

۳-۵-۱. کارایی مالیات بر ارزش افزوده

مالیات بر ارزش افزوده به دلیل اینکه انتخاب مصرف کننده را تغییر نمی‌دهد، یک مالیات کاراست. به این مفهوم که نسبت به برقراری مالیات بر عوامل تولید (کار، سرمایه و ...) بی طرف است و به طور یکسان بر همه آن‌ها اعمال می‌شود؛ بنابراین رفتار مصرف کننده را تغییر نمی‌دهد (جعفری صمیمی، ۱۳۸۹، ص ۶۰).

در برقراری مالیات‌های اسلامی تأکید زیادی روی وضع مالیات بر مازاد مقدار مصرف وجود دارد، یکی از نمودهای آن وجود حد نصاب برای تعلق زکات است. این مطلب بیان می‌دارد قوانین اسلامی حمایت از مصرف کننده را از اولویت‌های اصلی قرار داده و حداکثر کارایی را از وضع مالیات مورد توجه قرار داده است؛ مالیات بر ارزش افزوده این بیان اسلامی را به خوبی برآورده می‌کند.

۳-۵-۲. مبنای وسیع مالیات بر ارزش افزوده

مالیات بر ارزش افزوده از آنجایی که بر مبنای ارزش افزوده کالاها و خدمات محاسبه و اخذ می‌گردد، پایه مالیاتی گسترده‌ای دارد و در واقع به نوعی کلیه درآمدها در اقتصاد کشور را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. به عبارت دیگر مبنای این مالیات حاصل جمع مزد و حقوق، اجاره، بهره و سود در اقتصاد است که از لحاظ منابع درآمدی در حقیقت وسیع‌ترین پایه مالیاتی است. مبنای وسیع مالیات بر ارزش افزوده این امکان را به وجود می‌آورد که بتوان با نرخ نسبتاً پایین، درآمدهای مالیاتی قابل توجهی را کسب کرد (جعفری صمیمی، ۱۳۸۹، ص ۶۱).

همانطور که ذکر شد قوانین مالیاتی اسلام تقریباً تمام فعالیت‌های اصلی آن زمان را مورد توجه قرار داده است، وجود خمس، زکات، خراج، جزیه، انفال و ... بیان خوبی از

این مطلب است. در زمان حاضر یکی از معیارهای انتخاب سیستم مالیاتی مناسب جامعیت آن است که مالیات بر ارزش افزوده این معیار را داراست.

۳-۵-۳. تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر سطح عمومی قیمت‌ها و آثار تورمی آن

در نتیجه وضع این مالیات قیمت کالاهای مشمول مالیات و در نتیجه سطح عمومی قیمت‌ها در شرایط پوشش کلیه کالاها می‌تواند افزایش یابد. در عوض به دلیل پرداخت مالیات توسط مصرف‌کنندگان و کاهش قدرت خرید ناشی از پرداخت مالیات، این امکان وجود دارد که فشار تورمی مربوط به وضع این مالیات خنثی شود (جعفری صمیمی، ۱۳۸۹، صص ۶۳-۶۲).

نحوه قوانین مالیاتی اسلام به گونه‌ای است که از تعلق بیش از حد مالیات به روی کالاها جلوگیری می‌کند، دلیل این امر پیش‌گیری از افزایش بی‌رویه قیمت کالاهای اساسی است. این موضوع در اقتصاد امروزی با مسأله تورم و کنترل آن معنا پیدا می‌کند که این امر در سیستم مالیات بر ارزش افزوده به خوبی مورد توجه قرار گرفته است.

۳-۵-۴. توان بالای درآمدزایی مالیات بر ارزش افزوده

این سیستم به علت وسعت پایه مالیات می‌تواند با نرخ نسبتاً پایین درآمد قابل توجهی را برای دولت ایجاد کند. قابلیت مالیات بر ارزش افزوده در تولید سریع میزان زیاد درآمد باعث شده است که این مالیات به عنوان یک ماشین پول تلقی شود (جعفری صمیمی، ۱۳۸۹، ص ۶۴).

تنها منبع مالی اصلی در زمان صدر اسلام بیت المال بوده که از طریق اخذ مالیات تأمین می‌شده و کافی بودن این مالیات‌ها برای بقای حکومت اسلامی ضروری بوده است. در زمان حال با توجه به مخارج بسیار زیاد دولت‌ها برای انجام وظایفی مانند ایجاد امنیت و اجرای عدالت، نیاز به سیستم درآمدی‌ای است تا بتواند این مخارج را پوشش دهد. سیستم مالیات بر ارزش افزوده این خصوصیت را دارا می‌باشد.

۳-۵-۵. مالیات بر ارزش افزوده و پیشگیری از فرار مالیاتی

اغلب صاحب نظران معتقدند که مالیات بر ارزش افزوده دارای مکانیزمی است که خود را کنترل می‌کند. با توجه به اینکه خریدهای یک گروه از بنگاه‌ها معادل فروش‌های سایر بنگاه‌ها است، از لحاظ نظری این امکان وجود دارد که از صورت حساب‌ها برای نشان دادن اعتباراتی که برای پرداخت مالیات بر ارزش افزوده و کنترل فروش‌های سایر فروشندگان اختصاص می‌یابد، استفاده کرد. با وجود این، مانند اغلب مالیات‌های دیگر امکان فرار از مالیات بر ارزش افزوده نیز وجود دارد. برای به حداقل رسانیدن فرار مالیاتی وجود نظام اجرایی دقیق همراه با جریمه‌های مشخص و قابل اجرا ضروری است تا در موارد خاص بتوان به تعقیب متخلفان پرداخت (جعفری صمیمی، ۱۳۸۹، ص ۷۱).

وجود مأموران مالیاتی و مراجعه آن‌ها برای اخذ زکات، مشخص کننده کنترل برای پرداخت مالیات در جامعه است. امروزه با توجه به گستردگی فعالیت‌های اقتصادی نیاز به سیستم کنترلی دقیقی برای اخذ مالیات است. با توجه به تعالیم اخلاقی اسلام بهترین روش برای جلوگیری از فرار مالیاتی، فرهنگ سازی در بین مردم و توجیه اعتقادی ایشان برای پرداخت مالیات است.

۳-۵-۶. تنازلی بودن مالیات بر ارزش افزوده

با توجه به این که مالیات بر ارزش افزوده در نهایت به مصرف کنندگان به صورت افزایش قیمت انتقال می‌یابد لذا می‌توان گفت که این مالیات در حقیقت یک مالیات تنازلی است، زیرا خانوارهای با درآمد پایین در مقایسه با گروه‌های با درآمد بالا سهم بیشتری از درآمد خود را به مصرف اختصاص می‌دهند. این مشخصه در حقیقت، یکی از مشکلات و معایب نظام مالیات بر ارزش افزوده تلقی می‌شود (جعفری صمیمی، ۱۳۸۹، ص ۷۲).

این مشکل قابل حل است؛ در عمل به منظور کاهش و یا حذف آثار تنازلی این مالیات روش‌های مختلفی وجود دارد، همانطور که در مباحث اسلامی ذکر شده است،

یکی از موارد استفاده از زکات برای فقرا است، می‌توان مقداری از درآمدهای مالیاتی را برای پرداخت یارانه به خانوارها با درآمد پایین اختصاص داد. همچنین همانطور که در قسمت بعد ذکر شده، می‌توان از نرخ مالیاتی صفر برای برخی از موارد استفاده کرد.

۳-۵-۷. تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر تراز تجاری

هر نوع افزایش درآمد مالیاتی که به کاهش کسری بودجه دولت منجر می‌شود، ممکن است کسری در تراز تجاری را نیز تقلیل دهد. از دیدگاه نظری، در این شرایط استقراض دولت از بازارهای مالی کاهش می‌یابد و این امر موجب کاهش نرخ بهره می‌شود و در نتیجه جریان خروج سرمایه از کشور را با فرض ثابت بودن سایر عوامل تشویق می‌نماید. در پی آن تقاضا برای پول ملی نسبت به پول‌های خارجی کاهش یافته و در نتیجه ارزش خارجی پول ملی تنزل می‌یابد که موجب تشویق صادرات، کاهش واردات و بنابراین کاهش کسری در تراز تجاری می‌گردد (جعفری صمیمی، ۱۳۸۹، ص ۷۳).

وضعیت کشورهای اسلامی در منطقه و اهمیت حفظ قدرت اقتصادی این کشورها برای گسترش فرهنگ اسلامی، اهمیت ویژه‌ای را به مسائل اقتصادی و روابط تجاری بین کشورها داده است. حفظ قدرت اقتصادی از مسائلی است که می‌تواند از درآمدهای مالیات بر ارزش افزوده تأمین شود.

۳-۵-۸. تأثیر مالیات بر ارزش افزوده بر هزینه‌های اجرایی مالیات

معرفی مالیات بر ارزش افزوده نیازمند گسترش دایره مالیات و در نتیجه افزایش هزینه‌های اجرایی و پرسنلی دولت است. البته قدرت درآمدزایی نسبتاً بالای مالیات بر ارزش افزوده موجب می‌شود که اهمیت این هزینه‌ها در مقایسه با درآمد مورد انتظار بسیار پایین باشد. همچنین هزینه اجرایی مالیات بر ارزش افزوده به درجه پیچیدگی این مالیات یا میزان اطاعت مالیاتی افراد و سطح معافیت بستگی دارد (جعفری صمیمی، ۱۳۸۹، ص ۷۳).

شاید هزینه‌های اجرایی نظام مالیات بر ارزش افزوده یکی از مشکلات این نظام برای پیاده سازی است، ولی درآمدهای بالا در این نظام و قابلیت مصرف قسمتی از مالیات‌ها برای مأموران مالیاتی و هزینه‌های جمع آوری مالیات بر اساس قوانین اسلامی، این مشکل را نیز بر طرف کرده و اهمیت این سیستم مالیاتی را بیش از پیش نمایان ساخته است.

اغلب دولت‌هایی که از سیستم مالیات بر ارزش افزوده استفاده می‌کنند به علت ناکارآمدی و نارضایتی از نظام مالیاتی موجود به سمت این نظام مالیاتی روی آورده‌اند (شهریاری راد، ۱۳۸۳، ص ۷۴). شاید سیستم مالیات بر ارزش افزوده جامع‌ترین سیستم از لحاظ قواعد اسلامی نباشد و دارای ایرادات و نواقصی باشد، ولی در حال حاضر مناسب‌ترین و کاراترین سیستم مالیاتی است که می‌تواند با شرایط کنونی اقتصاد ایران، راهگشایی برای کاهش وابستگی‌های دولت به درآمدهای نفتی باشد.

۴. نرخ مالیاتی مناسب

نرخ مالیاتی عبارت است از میزان مالیاتی که پرداخت کننده مالیات می‌پردازد نسبت به درآمدها (شهریاری راد، ۱۳۸۳، ص ۲۱). فرمول محاسبه درآمدهای مالیاتی بر اساس ارزش افزوده به شکل زیر است (جعفری صمیمی، ۱۳۸۹، ص ۸۵):

(سود + اجاره + بهره + دستمزد) = نرخ مالیات = درآمدهای مالیاتی

$$I(t) = t(w + I + r + p)$$

در این قسمت سعی بر این است با توجه به حد نصاب‌ها و نسبت‌های اخذ خمس وزکات میزان نرخ مالیاتی (t)، در فرمول فوق محاسبه شود.

در محاسبه خمس یک نسبت بیشتر وجود ندارد و آن یک پنجم است. باید توجه کرد خمس به تمام درآمدهای شخص تعلق نمی‌گیرد و فقط به مقدار اضافی و راکد درآمدها و اموال وی مربوط می‌شود. نرخ ۲۰ درصد برای اخذ مالیات بسیار زیاد به نظر می‌رسد، همچنین تعلق نداشتن آن به همه درآمدها این نکته را بیان می‌کند که نمی‌توان این نرخ را به عنوان نرخ اصلی در نظر گرفت. محاسبه این مورد که چقدر از درآمدها

و اموال مردم اضافی است بسیار دشوار به نظر می‌رسد. همچنین درآمدها و اموال اضافی مردم با توجه به سطح مصرف متوسط گروه فرد مشخص می‌شود که این سطح مصرف در هر گروه متفاوت است و نمی‌توان گفت افرادی که از سطح مالی مناسبتری برخوردارند دارای درآمدها و اموال اضافی هستند.

در اینجا نگاهی کوتاه به هفت مورد تعلق خمس شده است. اول اینکه امروزه دیگر غنائم وجود ندارد و مبحث غنائم مربوط به زمان‌های قبل می‌شده است و در دنیای متمدن امروزی معنایی ندارد. در مورد گنج و غواصی در دریا نیز می‌توان گفت که تقریباً از بین رفته‌اند؛ زیرا مواردی که اغلب از این طریق بدست می‌آیند در مالکیت دولت است و مالکیت فردی برای آن معنی دار نیست. زمینی که کافر از مسلمان بخرد و مال حلال مخلوط به حرام، در اداره مملکت اسلامی کاربردی نداشته، و مربوط به روابط فردی در جامعه است که باید مورد توجه افراد قرار گیرد. مورد دیگر معدن است که دولت می‌تواند از معادنی که به بخش خصوصی واگذار می‌کند مالیاتی را با نرخ ۲۰ درصد بگیرد؛ زیرا معدن برای کل جامعه است و یک پنجم درآمد معدن نرخ مناسبی به نظر می‌رسد. اما در مورد مالی که از مخارج سالانه بیشتر باشد باید بررسی کامل‌تری انجام گیرد. مقایسه‌ای در مورد درآمدها و هزینه‌های سالیانه خانوارها در کشور در نظر گرفته شده تا نمایان گردد آیا می‌توان نرخ ۲۰ درصد را برای کل درآمدهای افراد تقلیل داد. بر همین اساس جدول درآمدها و هزینه‌های سالانه یک خانوار در سال‌های ۸۷ و ۸۸ در مناطق شهری و روستایی آورده شده است:

جدول ۱. درآمدها و هزینه‌های سالانه یک خانوار روستایی و شهری (میلیون ریال)

شهری	روستایی	شهری	روستایی	
سال ۱۳۸۸	سال ۱۳۸۸	سال ۱۳۸۷	سال ۱۳۸۷	
۹۹۱۹۱۳۳۰	۵۹۲۶۳۵۷۸	۹۴۲۱۴۱۰۷	۵۳۹۹۴۹۲۶	هزینه کل
۹۳۶۰۲۸۳۴	۵۲۴۳۷۶۰۰	۸۸۲۱۹۳۸۶	۴۸۴۲۳۸۷۴	درآمد کل

منبع: مرکز آمار ایران

همانطور که مشاهده می‌شود هزینه کل سالانه خانوارها در هر دو مناطق شهری و روستایی از درآمد کل آن‌ها بیشتر است و نمی‌توان نرخ خمس را برای کل درآمدها متناسب ساخت. البته آشکار است که اطلاعات موجود در مورد متوسط جامعه است و

در مورد تک تک افراد نتایج متفاوت است، مسلماً افرادی پیدا خواهند شد که خمس بر آن‌ها واجب است ولی این پژوهش کل جامعه را در نظر دارد، بر همین اساس به دلیل اینکه سطح کل درآمد خانوارها به گونه‌ای است که از هزینه‌های آن‌ها کمتر است، نمی‌توان خیلی روی درآمدهای این قسمت حساب کرد؛ همچنین همانطور که محاسبه این درآمدها سخت است جمع آوری مالیات از آن‌ها نیز مشکل بنظر می‌رسد و شرط سهولت در محاسبه و جمع آوری مالیات‌ها نقض می‌شود.

نکته‌ای که می‌توان از موارد ذکر شده در مورد خمس به دست آورد، تعلق نرخ خمس به معدن در حال حاضر است. با توجه به این مطلب که ایران دارای منابع طبیعی و معادن بسیاری است می‌توان نرخ ۲۰ درصد را برای اخذ مالیات در این زمینه‌ها استفاده کرد. گستردگی بیش از حد بخش دولتی اجازه فعالیت بخش خصوصی را در ایران نمی‌دهد، شاید وقت آن رسیده باشد تا با اعتماد بیشتر به بخش خصوصی بتوان به صورت کاراتر، از این منابع و معادن استفاده بهینه کرد؛ گرفتن مالیات مناسب از بخش خصوصی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود، که می‌توان با اخذ این نوع مالیات هم یک روند نظارتی بر منابع و معادن داشت، هم از لحاظ ذهنی بخش خصوصی را ترغیب به فعالیت در این زمینه کرد.

حد نصاب در دسته اول ذکر شده، که زکات بر آن‌ها واجب است ۸۴۷ کیلوگرم است که بسته به نحوه آبیاری، نسبت یک دهم، یک بیستم و یا سه چهلیم از آن‌ها اخذ خواهد شد. اگر آبیاری از طریق باران یا نهر باشد یک دهم، اگر آبیاری با دلو باشد یک بیستم و اگر از هر دو مورد استفاده کند نسبت سه چهلیم به آن تعلق می‌گیرد (امام خمینی، ۱۳۷۴، صص ۸۷-۸۳). در مورد کالاهای امروزی می‌توان اینطور مقایسه کرد که اگر کالا کاملاً از امکانات دولتی و عمومی تولید شود نسبت یک دهم به آن تعلق گیرد و یا اگر کاملاً از امکانات خصوصی استفاده کند نسبت یک بیستم به آن تعلق گیرد. ولی می‌دانیم که امروزه برای تولید کالاها و خدمات بخش خصوصی از امکانات بخش دولتی نیز استفاده می‌شود و تفکیک بین این کالاها دشوار جلوه می‌نماید. می‌توان در یک حالت خوش‌بینانه نرخ سه چهلیم را برای تمامی کالاهای تولیدی بخش خصوصی جهت اخذ مالیات در نظر گرفت (یعنی نرخ مالیاتی ۷/۵٪ برای فعالیت‌های تولیدی).

دسته دوم مربوط به فعالیت‌های پولی در جامعه می‌شود؛ نرخ‌ها که در این مورد ذکر شده، یک چهلیم است (لشگری، ۱۳۸۰، ص ۶۹)، که نرخ کمی به نظر می‌رسد. این نرخ می‌تواند برای فعالیت‌های سرمایه‌ای اقتصاد در نظر گرفته شود. برای نمونه فعالیت‌های مربوط به بانک‌ها، بورس‌ها و بازارهای مالی، وام‌های دریافتی و

دسته سوم مربوط به دامپروری است که در مقایسه با دسته اول که کشاورزی بود، صنعتی محسوب می‌شود با سرمایه بیشتر و وابسته به صنعت کشاورزی، دارای مشکلات خاص خود، که شاید سخت‌تر به نظر آیند. یکی از شرایط برای اخذ زکات آن بود که تغذیه دام‌ها توسط خود شخص انجام نشود و از غذایی تغذیه نکنند که شخص خریداری کرده یا خود جمع‌آوری نموده است (لشگری، ۱۳۸۰، ص ۶۷). به بیان دیگر دامداری نباید ساکن باشد و به نوعی باید کاملاً متحرک باشد. شمول این مورد در جامعه امروز کمی مشکل به نظر می‌رسد که می‌توان آنرا با مشاغل سخت و صناعی که دارای شرایط خاصی هستند مقایسه نمود. برای مثال صنایع نوپایی که در داخل کشور تأسیس می‌شوند و وابسته به محیط خارج نیستند و یا کمتر وابسته‌اند را می‌توان با دامداری ساکن مقایسه کرد و آن‌ها را از مالیات معاف نمود و قوانینی را برای حمایت از مشاغل یا صنایع خاصی در نظر گرفت. باید توجه داشت احکام اسلامی ذکر شده آنقدر دارای رموز و ریزه کاری‌هایی هستند که بررسی بیشتر می‌تواند شمول جامعی را از یک حکم ساده ارائه دهد و این صحنه‌ای بر مدعای دین کامل اسلام است.

مورد چهارم مربوط به مال التجاره است که وجوب زکات بر آن بنا به احتیاط ذکر شده، و باید به این نکته اشاره کرد که در ابتدا این حکم وجود نداشته و بر اساس منبع عقلی استخراج شده است. با توجه به اینکه دنیای امروز دنیای تجارت است و به نوعی همه مردم جامعه در تجارت سهیم هستند و اغلب درآمدهای خود را از تجارت به دست می‌آورند، شمول مالیات به درآمدهای ناشی از تجارت و مال التجاره نمایان‌تر می‌شود. در انتها می‌توان چهار نرخ مالیاتی را به صورت جمع‌بندی مطالب ذکر شده، بیان کرد. البته باید گفت این نرخ‌ها صد در صد درست نمی‌باشند و باید در عمل ثابت کنند که می‌توانند نرخ‌های قابل اتکایی باشند.

جدول ۲. نرخ های مالیاتی

فعالیت های تولیدی	فعالیت های سرمایه ای	معادن و منابع طبیعی	صنایع و مشاغل استراتژیک و تحت حمایت	نرخ مالیات
۷/۵٪	۲/۵٪	۲۰٪	۰٪	

۵. نحوه مناسب اجرای مالیات ها

اجرای مالیات ها، مستلزم دو فرآیند کلی تشخیص منبع مالیات و وصول آن می باشد. تشخیص مالیات شامل شناسایی مودیان مالیاتی و تعیین منبع مشمول مالیات است. در تعیین منبع مالیاتی، ارزیابی منبع مالیاتی و ضمانت های اجرایی در مراحل تشخیص، از نکات مهم می باشد. در بحث جمع آوری مالیات، انتخاب مأموران مالیاتی، جلب همکاری و رضایت مودیان، نظارت و ضمانت های اجرایی و بررسی جرائم مالیاتی بسیار حائز اهمیت است (نظری، ۱۳۸۲، صص ۷۹-۷۲).

از منظر اقتصاد اسلامی می توان خصوصیات را برای نظام مالیاتی در نظر گرفت (جعفری صمیمی، ۱۳۸۹، صص ۲۲۸-۲۲۶): عبادی بودن و وظیفه تلقی کردن پرداخت مالیات، حداقل هزینه جمع آوری مالیات، عدالت اجتماعی، معین بودن موارد مصرف هر مالیات، مردمی و اخلاقی بودن، گستردگی دایره انفاق، عدم انتقال مالیات به دیگران.

این خصوصیات بیشتر در اجرای مالیات ها نمود پیدا می کنند. در ابتدا باید طوری بین مردم فرهنگ سازی شود که آن ها پرداخت مالیات را یک وظیفه تلقی کنند و آنرا برای استمرار حکومت اسلامی و آبادانی و توسعه آن لازم بدانند. به دلیل عدم اعتماد مردم به سیستم مالیاتی دولت اجرای یک برنامه مالیاتی با موانع متعددی روبرو می باشد؛ و تنها راه حل، همکاری و اعتماد خود مردم به این برنامه مالیاتی خواهد بود. قرآن کریم قانون تعاون و مددکاری اجتماعی را به صراحت اعلام کرده است: «و تَعَاوَنُوا عَلَی الْبِرِّ وَالتَّقْوَى...»؛ در راه نیکی کردن به یکدیگر و پرهیزگاری، همکاری کنید (مائده: ۲). همچنین ترک تعاون اجتماعی و بی احساسی نسبت به نیازهای مردم، محکوم گردیده است: «و یمنعون الماعون»؛ (وای بر آنان که) ... از دادن وسایل زندگی به یکدیگر دریغ

می‌کنند (ماعون: ۷). در حدیثی از امام صادق در تفسیر ماعون آمده است: «هُوَ (الْمَاعُونَ) الْقَرْضُ تُقْرِضُهُ، وَ الْمَعْرُوفُ تَصْنَعُهُ، وَ مَتَاعُ الْبَيْتِ تُعِيرُهُ وَ مِنْهُ الزَّكَاةُ...»؛ ماعون قرضی است که به کسی بدهی، و کار نیکی است که انجام دهی، و اثاث است که به عاریت دهی، و زکات نیز هست... (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ص ۵۴۸). با توجه به آیات و روایات متعددی که در این زمینه وجود دارد، تعاون و همکاری اجتماعی، یکی از اصول و قواعد اساسی اسلامی در مباحث اقتصادی به شمار می‌رود (حکیمی، ۱۳۷۰، صص ۲۴۶-۲۳۵).

به دلیل پیش زمینه مردم ایران از زمان‌های قدیم و سیستم شاهنشاهی و دیکتاتوری، این عدم اطمینان و احساس ظلم در مردم به نوعی نهادینه شده است. برای حل این معضل باید دولت با اجرای برنامه‌های مدیریتی و فرهنگی مناسب این اطمینان را در مردم ایجاد کند که ظلمی بر آنها تحمیل نمی‌شود و پرداخت مالیات به صورت گروهی باعث پیشرفت گروه خود فرد خواهد شد.

راهکاری که در این زمینه می‌توان ارائه کرد فدرالی کردن مالیات‌ها است. منظور از فدرالی کردن مالیات‌ها این است که مالیات از هر منطقه‌ای که دریافت می‌شود در همان منطقه نیز خرج شود. شاید بنظر آید مناطقی که درآمد ساکنان آنها بیشتر است از امکانات بیشتری بهره‌مند خواهند شد، ولی این کار به هیچ عنوان منافاتی با عدالت اجتماعی نخواهد داشت. اجرای این برنامه می‌تواند باعث تحریک حس ناسیونالیستی مردم هر منطقه شده و به وجود آورنده یک رقابت بالقوه در مردم برای ارتقای سطح خود و افراد گروه خویش شود (شهرکی و شمس‌الدینی، ۱۳۸۹، ص ۳).

همچنین باید سیستمی پیاده کرد تا جمع‌آوری مالیات پرهزینه نباشد؛ باید توجه داشت اگر مردم نخواهند مالیات پرداخت کنند جمع‌آوری مالیات بسیار سخت و پرهزینه خواهد بود، که باز هم بهترین شیوه، فرهنگ سازی مالیاتی و خود اظهاری مردم است (نظری، ۱۳۸۲، صص ۷۷-۷۶). اجرای مالیات‌ها مسأله بسیار مهم و حساسی است زیرا باید به مسأله عدالت توجه ویژه‌ای کرد تا به هیچ وجه بر کسی ظلمی وارد نشود. در احادیث دینی نیز موارد اخلاقی‌ای برای اخذ زکات به عنوان مالیات اسلامی و منبع مالی بیت المال آمده است؛ برای مثال فرمایش امام علی (ع) به مأمور مالیاتی خود

که فرمودند: «در حرکت آی، با پرهیزگاری و ترس از خداوندی که یگانه است و او را شریکی نیست. زنهار، مسلمانی را مترسانی و اگر خود نخواهد به سراغش مروی و بیش از آنچه حق خداوند است، از او مستانی. چون به قبیله‌ای برسی بر سر آب آن‌ها فرود آی و به خانه‌هایشان داخل مشو. آنگاه با آرامش و وقار به سوی ایشان رو تا به میانشان برسی. سلامشان کن و تحیت گوی و در سلام و تحیت امساک منمای. سپس، بگوی که ای بندگان خدا، ولی خدا و خلیفه او مرا به نزد شما فرستاده تا سهمی را که خدا در اموالتان دارد بستانم. آیا خدا را در اموالتان سهمی هست، که آنرا به ولی خدا پردازید؟ اگر کسی گفت: نه، به سراغش مرو و اگر کسی گفت: آری، بی آنکه او را بترسانی یا تهدیدش کنی، یا بر او سخت گیری، یا به دشواریش افکنی، به همراهش برو... و چون مال مسلمانان را می‌فرستی، آنرا به کسی بسیار که به دینداری او مطمئن باشی تا آنرا به ولی امر مسلمانان برساند و او میان مسلمانان قسمت نماید. و به نگهداری آن‌ها مگمار، مگر مردی نیکخواه و مهربان و امین را که نیکو نگهداری کند... پس، هر چه گرد آورده‌ای، زود به نزد ما فرست تا ما نیز در جایی که خداوند مقرر فرموده، صرف نماییم» (نهج البلاغه، نامه ۲۵).

از اینجا اهمیت فرهنگ‌سازی مالیاتی در مردم و عبادی بودن و وظیفه تلقی کردن پرداخت مالیات‌ها از طرف آن‌ها، نمود بیشتری پیدا می‌کند. بدون شک هیچ برنامه‌ای بدون همکاری خود مردم انجام پذیر نیست، برای همین مشارکت دادن خود مردم در این امر می‌تواند تسهیل‌کننده جمع‌آوری مالیات‌ها باشد.

جمع بندی

در این پژوهش سعی بر این بود تا با توجه به مبحث مالیات‌ها در اسلام، الگوی مناسبی برای اجرای مالیات‌ها ارائه گردد. این روند در سه زیر فصل: سیستم مالیاتی مناسب، نرخ مالیاتی مناسب و نحوه مناسب اجرای مالیات‌ها بیان شد. در بخش اول با ذکر قواعد مربوط به خمس و زکات سعی شد خصوصیات برای یک سیستم مالیاتی مناسب ذکر شود و با مقایسه‌ای مناسب‌ترین الگوی مالیاتی کنونی برای ایران، سیستم مالیات بر ارزش افزوده معرفی شد. در بخش بعد با توجه به قواعد مقداری خمس و زکات چهار

نرخ مالیاتی متفاوت استخراج شد. به دلیل مشابهت فعالیت‌های تولیدی در جامعه کنونی با فعالیت‌های کشاورزی در صدر اسلام و مقایسه آن‌ها نرخ ۷/۵ درصد برای این نوع فعالیت‌ها بدست آمد؛ در مورد فعالیت‌های سرمایه‌ای نیز در اثر مطابقت با زکات طلا و نقره، نرخ مالیاتی ۲/۵ درصد به دست آمد؛ برای معادن و منابع نیز بر اساس اصل حکم خمس، نرخ مالیاتی ۲۰ درصد در نظر گرفته شد؛ و در پایان نیز با تجزیه و تحلیل صنعت دامپروری در صدر اسلام، معافیت مالیاتی برای صنایع و مشاغل استراتژیک و تحت حمایت بیان شد.

باید توجه داشت به هیچ عنوان اجرای یک سیستم مالیاتی بدون همکاری خود مردم امکان پذیر نخواهد بود. انتخاب و اجرای یک سیستم مالیاتی مناسب می‌تواند در رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه مؤثر باشد، همچنین می‌تواند بر روی متغیرهای کلان اقتصادی نیز تأثیر بگذارد؛ برای نمونه مالیات‌های اسلامی ممکن است آثار متفاوتی بر پس انداز داشته باشند. از آنجا که این مالیات‌ها بر اساس خمس و زکات اخذ می‌شود، ممکن است باعث افزایش مصرف فرد برای فرار از پرداخت مالیات شود؛ و از سویی کاهش درآمد فرد منجر به کاهش سطح مصرف حال و آینده گردد، می‌توان انتظار داشت که مالیات‌های اسلامی در جهت تشویق سرمایه‌گذاری عمل کنند، زیرا این مالیات‌ها فرد را به سوی به جریان انداختن دارایی‌های خود برای کسب درآمد سوق می‌دهد.

به دست آوردن یک نرخ مالیاتی مناسب در هر نظام مالیاتی می‌تواند نقش بزرگی در موفقیت آن نظام مالیاتی داشته باشد. میزان درآمدهای مالیاتی، کسب رضایت مؤدیان مالیاتی، جلوگیری از فرار مالیاتی و ... از جمله مواردی هستند که با نرخ مالیاتی در یک نظام مالیاتی رابطه تنگاتنگ دارند. سیستم مالیات بر ارزش افزوده این امکان را ایجاد می‌کند تا با نرخ مالیاتی کم نیز درآمدهای قابل توجهی به دست آورد. اگر نرخ مالیاتی در سطح پایینی وضع گردد، می‌توان امید داشت فرار مالیاتی نیز کاهش یافته و انگیزه برای پرداخت مالیات افزایش یابد.

نتیجه کلی که از این پژوهش می‌توان به دست آورد این است که توجه به احکام اسلامی و رموز و ریزه کاری آن‌ها و سعی در استخراج قوانین اقتصادی با توجه به

شرایط کنونی اقتصاد، می تواند نتایج قابل توجهی را در زمینه انتخاب راه های متفاوتی که برای اجرای یک عمل وجود دارد، ارائه کند. همانطور که بیان شد در زمینه مالیات ها با توجه به سیستم های مالیاتی متفاوتی که وجود دارد و محاسن و معایبی که در مورد هر یک ذکر می شود، نیاز به ملاکی برای سنجش این سیستم ها است، که در این جا سیستم مالیات بر ارزش افزوده در نظر گرفته شد. همین روند می تواند برای زمینه های اقتصادی دیگر نیز طی شود و مطمئناً با توجه به پرباری احکام اسلامی، نتایج قابل توجهی به دست خواهد آمد.

کتابنامه

قرآن کریم

- نهج البلاغه (۱۳۶۶)، ترجمه اسد اله مبشری، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- اراکي، محمد علي (۱۳۷۲)، رساله توضیح المسائل، تهران: کانون انتشارات پیام محراب.
- امام خمینی، سید روح اله (۱۳۷۴)، رساله نوین، مسائل اقتصادی، گردآورنده عبدالکریم بی آزار شیرازی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۲.
- امینی، اعظم (۱۳۸۴)، مالیات در اسلام، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
- بیات، اسد اله (۱۳۶۵)، منابع مالی دولت اسلامی، تهران: مؤسسه کیهان.
- پژویان، جمشید (۱۳۸۸)، اقتصاد بخش عمومی (مالیات ها)، تهران: انتشارات جنگل.
- توسلی، محمد اسماعیل (۱۳۸۲)، «امکان سنجی اجرای زکات در ایران»، مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس.
- جعفری صمیمی، احمد (۱۳۸۹)، اقتصاد بخش عمومی ۱، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب اسلامی دانشگاه ها.
- حکیمی، محمد (۱۳۷۰)، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- حکیمی، محمد رضا، و دیگران (۱۳۷۹)، الحیاء، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۲)، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب انسانی دانشگاه ها.

- رحمانی، تیمور (۱۳۸۸)، *اقتصاد کلان*، تهران: انتشارات برادران، ج ۱.
- ریکاردو، دیوید (۱۳۷۴)، *اصول اقتصاد سیاسی و مالیات‌ستانی*، ترجمه حبیب اله تیموری، تهران: نشر نی.
- سالواتوره، دومینیک (۱۳۸۹)، *تئوری و مسائل اقتصاد خرد*، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران: نشر نی.
- سیلوانی، کارلوس (۱۳۸۱)، *راهبردهای اصلاح دستگاه مالیاتی*، ترجمه منصور ملایی‌پور، تهران: دانشکده امور اقتصادی.
- شاکری، عباس (۱۳۸۹)، *اقتصاد کلان*، تهران: انتشارات پارس نويس، ج ۲.
- شالیزی، زمارک (۱۳۷۲)، *درس‌هایی از اصلاح سیستم مالیاتی*، ترجمه علی اکبر عرب مازار، تهران: دانشکده امور اقتصادی.
- شهرکی، جواد و شمس‌الدینی، مصطفی (۱۳۸۹)، «مدیریت استراتژیک درآمدها و پرداخت‌های دولت در جهت بهبود وضعیت کسری بودجه»، تهران: پنجمین همایش بین‌المللی مدیریت استراتژیک و عملکرد.
- شهریاری راد، پرویز (۱۳۸۳)، *بررسی اثرات احتمالی مالیات بر ارزش افزوده در ایران بر توزیع درآمد*، تهران: دفتر طرح مالیات بر ارزش افزوده، سازمان امور مالیاتی کشور.
- صدر، کاظم (۱۳۷۵)، «سیاست‌های مالی در صدر اسلام»، مقالاتی در اقتصاد اسلامی، تهران: مؤسسه بانکداری ایران.
- طبرسی (۱۴۰۸ق.)، *مجمع البیان*، بیروت: دارالمعرفة، الطبعة الثانية.
- گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۳۸۴)، *رساله توضیح المسائل*، قم: دارالقرآن الکریم.
- لشگری، علی‌رضا (۱۳۸۰)، *نظام مالیاتی اسلام*، تهران: وزارت امور اقتصاد و دارایی.
- محدث نوری (۱۳۸۳ق.)، *مستدرک الوسایل*، تهران: المكتبة الاسلامية.
- نظری، حسن آقا و گیلک حکیم آبادی، محمد تقی (۱۳۸۲)، *نگرشی علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- نوری کرمانی، محمد امیر (۱۳۸۲)، «خمس از نظریه تا عمل»، مجموعه مقالات سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس
- Leonid, A. Levin (2001), *The equity tax and shelter*, Boston University, Institute des hautes etudes scientifiques.